



علی تاجت

داستان

تولستوی

علی تاجدینی



انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)

کارگاه قلم سوره مهر مرکز آفرینش های ادبی



تولستوی

علی تاجدینی

مراجعه: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: ویژه پرداز اندیشه-چاپ اندیشه
چاپ اول: ۱۳۹۵
شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۲۲۹-۰

سرشناسه: تاجدینی، علی، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور: تولستوی / علی تاجدینی.
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۱۳۱ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۲۲۹-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.
موضوع: تولستوی، لی یف نیکلایوویچ، ۱۸۲۸ - ۱۹۱۰ م. -- نقد و تفسیر
موضوع: نویسندگان روسی -- قرن ۱۹ م.
شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر
رده بندی کنگره: ۹۱۳۹۴ ت/آت/۵/PG۳۲۵۴
رده بندی دیویی: ۸۹۱/۷۳۳
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۰۴۸۱۷

نشانی: تهران خیابان حافظ، خیابان رشته پلاک ۲۳
صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴
تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۰۵۳۱۹
تلفن مرکز بخش (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱
www.soremehr.ir

نقل و چاپ نوشتهها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۳
بخش اول: زندگی نامه.....	۱۷
فصل اول: زندگی نامه تولستوی.....	۱۹
داستان داستان های تولستوی.....	۱۹
دوره های زندگی تولستوی از زبان خویش.....	۲۱
تبارشناسی و خانواده تولستوی.....	۲۳
مادر بزرگ تولستوی.....	۲۴
تولستوی ها.....	۲۶
توانت.....	۲۷
دوره اول زندگی تولستوی: دوره کودکی.....	۲۹
دوره دوم: بی نظمی های دوره جوانی.....	۳۸
دوره سوم: تولستوی و زندگی خانوادگی.....	۳۹
تولستوی در مقام یک پدر.....	۵۳
تحصیلات و بازی های کودکانه.....	۵۷
دوره چهارم: معنای زندگی.....	۵۹
فرار بزرگ.....	۱۰۵
قصه فرار.....	۱۰۸
فصل دوم: شخصیت شناسی تولستوی.....	۱۴۷
شخصیت تولستوی از نگاه خود تولستوی.....	۱۴۷

۱۵۰		جسم تولستوی
۱۵۲		بدن قوی
۱۵۳		روحیات
۱۵۳		۱. عصبی بودن
۱۵۵		۲. سرزنشگری
۱۵۹		۳. مقاومت در برابر هر اجباری
۱۵۹		۴. صداقت و رک بودن
۱۶۰		۵. شخصیت اخلاقی
۱۶۰		۶. روحیه نقادی
۱۶۱		۷. روحیه مذذب
۱۶۳		۸. روحیه متعصب و لجوج
۱۶۵		شخصیت تولستوی در انتهای عمر
۱۶۹		فصل سوم: عوامل مؤثر در شخصیت تولستوی
۱۶۹		روسو
۱۷۱		شوپنهاور
۱۷۲		تورگنیف
۱۷۶		استاندال
۱۷۶		خانواده و تبار خانوادگی
۱۷۸		کودکی
۱۷۸		یاسنایا پولیاننا
۱۷۹		مادر تولستوی
۱۷۹		مرگ برادرش، نیکلا
۱۸۰		برادرش، سرژ
۱۸۰		عمه توانت
۱۸۲		روستایان
۱۸۳		یونان، هومر
۱۸۴		ادبیات ملل
۱۸۵		گیوتین و مرگ در پاریس
۱۸۷		فصل چهارم: مطالعات تولستوی

بخش دوم: آثار تولستوی.....	۱۹۱
فصل اول: فهرست آثار تولستوی.....	۱۹۳
فصل دوم: معرفی و شرح آثار تولستوی.....	۲۰۳
آلبرت و چگونگی خلق آن.....	۲۰۳
آناکارنینا.....	۲۰۵
خلاصه داستان.....	۲۰۵
انعکاس تجربه تولستوی در رمان «آناکارنینا».....	۲۱۵
الف) دیدگاه‌های تولستوی.....	۲۱۶
حیا در اندیشه تولستوی.....	۲۱۹
زن و غیرت مردانه.....	۲۲۰
شهر و روستا.....	۲۲۱
ب) تجربه‌های تولستوی.....	۲۲۲
شخصیت پردازی تولستوی.....	۲۲۲
توصیفات هنرمندانه در رمان آناکارنینا.....	۲۲۵
افسانه‌های تولستوی.....	۲۳۰
پدر سرگی خود تولستوی است.....	۲۳۴
پس از مجلس رقص.....	۲۳۸
چگونگی پیدایش قصه.....	۲۴۰
پول.....	۲۴۱
درون مایه داستان.....	۲۴۹
ثمرات تحصیل.....	۲۵۱
جسد زنده.....	۲۵۲
جنگ و صلح.....	۲۵۳
خلاصه قصه.....	۲۵۳
درون مایه قصه.....	۲۵۷
پیش زمینه رمان جنگ و صلح.....	۲۵۷
انعکاس انتشار رمان جنگ و صلح.....	۲۵۸
چه باید کرد؟.....	۲۶۰
خاطرات پیش از مرگ فدروکوزمیچ.....	۲۶۱
داستان‌های سباستپول.....	۲۶۲

۲۶۳	انعکاس انتشار سیاستپول
۲۶۴	برخورد حکومت تزارها با کتاب یادداشت‌های سیاستپول
۲۶۵	حاجی مراد
۲۶۸	درون مایه قصه
۲۷۲	دکاربست‌ها
۲۷۴	دو سرباز سواره نظام
۲۷۵	رستاخیز
۲۷۷	درون مایه رستاخیز
۲۷۸	چگونگی خلق رستاخیز
۲۸۲	رستاخیز و ارتداد تولستوی
۲۸۳	حق التألیف رمان رستاخیز
۲۸۳	آهنگ رستاخیز
۲۸۳	روایات عامیانه
۲۸۴	زندانی قفقاز
۲۸۶	ویژگی‌های زندانی قفقاز
۲۸۶	سرگذشت یک اسب
۲۹۷	سعادت زناشویی
۲۹۷	خلاصه داستان
۲۹۸	سونات کرویتزر
۳۰۰	توضیح تولستوی درباره سونات کرویتزر
۳۰۷	شیطان
۳۰۷	قدرت ظلمات
۳۰۸	قزاق‌ها یا داستان قفقاز
۳۱۰	کودکی
۳۱۱	چگونگی خلق اثر
۳۱۲	انعکاس انتشار «کودکی»
۳۱۲	کولاک
۳۱۳	مرگ ایوان ایلیچ
۳۱۵	مگر هر آدم چقدر زمین می‌خواهد؟
۳۱۸	درون مایه داستان

۳۱۹.....	و نور در ظلمات می‌تابد.....
۳۲۰.....	هنر چیست؟.....
۳۲۱.....	انعکاس انتشار «هنر چیست؟».....
۳۲۲.....	یادداشت‌های خصوصی.....
۳۲۷.....	فصل سوم: ویژگی آثار تولستوی.....
۳۲۷.....	اهمیت تولستوی در ادبیات جهان.....
۳۲۸.....	ویژگی رمان‌های تولستوی.....
۳۲۸.....	واقع‌گرایی.....
۳۳۴.....	شفاف کردن موضوعات.....
۳۳۵.....	آثار تولستوی آینه شخصیت او.....
۳۳۷.....	توجه به جزئیات.....
۳۳۸.....	جسم روسی و روح جهانی.....
۳۳۹.....	طبیعت در آثار تولستوی.....
۳۴۳.....	بشتوانه پژوهشی.....
۳۴۶.....	دوری از ابتذال.....
۳۴۷.....	بخش سوم: افکار و اندیشه‌های تولستوی.....
۳۴۹.....	فصل اول: تولستوی و دین.....
۳۴۹.....	در جست‌وجوی خدا.....
۳۵۳.....	تولستوی همواره به خدا ایمان داشت.....
۳۵۴.....	خدای تولستوی.....
۳۶۱.....	چگونه تولستوی به ایمان رسید؟.....
۳۶۵.....	نقد نظریه اشتفان تسوایک.....
۳۶۸.....	برخورد تولستوی با نهاد کلیسا.....
۳۷۱.....	نقد تولستوی بر کلیسای ارتودکس.....
۳۷۳.....	متدینان ساده‌روستایی.....
۳۷۵.....	تکفیر تولستوی.....
۳۷۸.....	انعکاس دین جدید تولستوی.....
۳۸۰.....	تولستوی و اسلام.....
۳۸۹.....	فصل دوم: نقد و بررسی نظریه تولستوی درباره هنر.....

۳۹۳	مبانی هنر در اندیشهٔ تولستوی.....
۳۹۸	تعریف هنر.....
۴۰۱	هنر راستین.....
۴۰۳	نقد نظریهٔ تولستوی.....
۴۰۴	قابل فهم بودن.....
۴۰۷	صداقت شرط لازم هنر ناب.....
۴۰۸	هنر ناب دور از ابتذال است.....
۴۰۹	هنر ناب برای کسب لذت و سرگرمی نیست.....
۴۱۰	هنر ناب باید جاویدان باشد.....
۴۱۱	اقسام هنر ناب.....
۴۱۲	کارکرد هنر دینی.....
۴۱۳	هنر متعهد.....
۴۱۵	تولستوی و گسترهٔ هنر.....
۴۱۷	فصل سوم: نقد شهوت در اندیشهٔ تولستوی.....
۴۱۷	تحلیل رمان «شیطان».....
۴۲۴	نکات مهم درون مایهٔ قصه.....
۴۲۵	قدرت شهوت.....
۴۲۹	تولستوی و تجربهٔ زنان.....
۴۳۰	نگرش تولستوی به زن.....
۴۳۲	زن - مادر.....
۴۳۵	نقد حقوق متشابه زن و مرد.....
۴۳۶	ازدواج در نگاه تولستوی.....
۴۴۰	نقد و بررسی.....
۴۴۱	۱. از بین بردن ابزار شهوت.....
۴۴۴	۲. روزه‌داری و ریاضت.....
۴۴۴	۳. طرح صادقانهٔ مشکل برای همسر قانونی.....
۴۴۵	۴. عفاف یا از بین بردن موجبات گناه.....
۴۴۶	تفاوت عشق و هوس.....
۴۴۶	چارچوب ماهرانهٔ رمان «شیطان».....
۴۴۹	فصل چهارم: نقد غرور.....

۴۴۹	تحلیل داستان «پدر سرگی»
۴۵۲	رهایی از نام و ننگ
۴۶۹	تحلیل داستان
۴۷۷	فصل پنجم: معنای زندگی
۴۸۲	دلایل فلسفی
۴۹۰	خروج از بن بست
۴۹۳	خروج از بحران
۵۰۹	فصل ششم: شرو نسبت آن با مالکیت، دولت، و کلیسا
۵۱۱	راه اثباتی تولستوی
۵۱۳	نقد تولستوی
۵۱۷	نقد تصور تولستوی دربارهٔ خشونت
۵۱۹	بخش چهارم: آثار، مقالات، و فیلم شناخت تولستوی
۵۲۱	۱. کتاب‌ها
۵۳۰	۲. آثار ترجمه شده دربارهٔ تولستوی
۵۳۵	۳. مقالات
۵۴۵	۴. فیلم شناخت بر اساس سیر تاریخی
۵۴۵	تولستوی و سینما

مقدمه

بی تردید، تولستوی در زمرهٔ بهترین رمان‌نویسان جهان قرار دارد و حتی بسیاری بر آن‌اند که او نفر اول به شمار می‌آید، زیرا اعتبار تولستوی فقط از جنبهٔ ادبی آثار او بر نمی‌خیزد؛ او از برجستگی‌هایی برخوردار است که در کمتر نویسنده‌ای می‌توان نمونه‌ای از آن‌ها یافت. تولستوی، علاوه بر آنکه از داستان‌نویسان درجه‌یک جهان به شمار می‌آید، اهل تأمل و تفکر نیز بوده و دغدغه‌های دینی و انسانی در وجود او به کمال وجود داشته است. گواه بر این مطلب هزاران صفحه مطالب چاپ‌شده و یادداشت‌های اوست که نشان می‌دهد تولستوی درد خدا و معنویت و انسانیت داشته است. تولستوی انسانی اخلاقی است و، برای تخلق به اخلاق الهی، بیش از سی سال محاسبهٔ نفس و ریاضت و خودداری و خودسازی داشته است. تولستوی، به معنی کامل کلمه، اهل عمل بود و توانسته بود میان تفکر و عمل جمع کند. او همواره می‌گفت: «عمل کردن به یک دستور اخلاقی دشوارتر از صدها صفحه نوشتن است.» تولستوی، حقیقتاً، جزو آن دسته از عالمان ربّانی است که مهم‌ترین کارش کشف حقیقت و پیوستگی با خدا بود. برای او دنیای رمان و

شهرت جهانی، که از این راه نصیبش شده بود، پشیزی نمی‌ارزید. او، در حالی که جهانیان تشنهٔ آثارش بودند، با استغنائی کامل نوشته‌های خود را به سخره می‌گرفت.

همچنان که در کتاب حاضر آورده‌ام، احسن رمان‌های تولستوی زندگی هشتاد و دو سالهٔ خود وی است که با فراز و نشیب‌های بسیاری که داشته، برای بشریت، به‌ویژه اهل ادبیات و فلسفه، بسیار آموزنده است.

متأسفانه، در ایران شخصیت‌های عظیمی، همچون تولستوی و ویکتور هوگو و داستایفسکی و گوته و امثالهم، بسیار ناقص شناخته شده‌اند. مردم و حتی نویسندگان جامعهٔ ادبی حداکثر شناختشان از این افراد خواندن داستان‌های معروف این بزرگان است و حال آنکه وقتی این افراد به صورت جامع مطالعه می‌شوند، چهرهٔ دیگری از این بزرگان رخ می‌نماید و آن تولستوی یا هوگویی است که متفکر است و دغدغه‌های فکری‌اش را در قالب رمان و داستان کوتاه و کتاب‌ها و مقالات جدی با مخاطب در میان گذاشته است. در حقیقت، آدم‌هایی مانند تولستوی - که صداقت و شفافیت جزو خصیصهٔ ذاتی او و آثارش هست - صریحاً اعلام می‌کنند که به دنبال حقیقت‌اند و درد محتوا دارند نه قالب و فرم؛ سخنان جدی دارند و این سخنان را عمیقاً احساس و تجربه کرده‌اند و آن را در قالب‌های گوناگون بیان می‌کنند. برای تولستوی، رمان آنکارینا و جنگ و صلح همان قدر مهم است که افسانه‌های روسی یا کتاب‌های الفبای کودکان. رمز بزرگی تولستوی در انسانیت والای اوست که در لابه‌لای نوشته‌هایش موج می‌زند.

اما، مهم‌ترین دلیل نگارش کتاب حاضر فقدان متنی تألیفی و، در عین حال، توصیفی-انتقادی از شخصیت، آثار، و افکار تولستوی بود.

در جهان، آثار بسیار درخشانى دربارهٔ تولستوى نگاشته شده که انصافاً هر یک در نوع خویش با ارزش‌اند؛ کتاب‌های نویسندگانى همچون هنرى تروایا، رومن رولان، اشتفان تسوايک، استراترن، توماس مان، و هنرى گیفورد همگى درخشان‌اند. البته، برخى آثار، همچون اثر تروایا، دربارهٔ زندگى تولستوى، از نظر شیرین‌نویسى، متنى بسیار خواندنى‌اند و، بر مبنای آن‌ها، مى‌توان فیلم‌نامه‌ای سریالى نوشت. برخى نیز تحلیلى‌ترند، مانند اثر رومن رولان و هنرى گیفورد.

اما کتابى تألیفى که، در ضمن توصیف زندگى تولستوى، نگاه نقادانه‌ای هم به اندیشه‌های او داشته باشد در ایران نگاشته نشده است. بنابراین، پس از آنکه مرکز آفرینش‌های ادبى حوزهٔ هنرى پیشنهادنگارش کتابى دربارهٔ تولستوى را داد، تصمیم گرفتم کتابى نسبتاً مختصر اما جامع بنویسم که اولاً، خوانندهٔ ایرانی نخست با زندگى‌نامهٔ تولستوى و فراز و فرودهای او آشنا شود؛ ثانیاً، چکیده‌ای از مهم‌ترین آثار وی را معرفی نماید؛ ثالثاً، مهم‌ترین دغدغه‌های فکرى تولستوى را به صورت چالشی مطرح نماید؛ رابعاً فهرستى جامع از مآخذ مربوط به تولستوى، در حوزهٔ کتاب، مقاله، و فیلم‌شناخت، عرضه بدارد.

طبیعى است کتاب در بخش‌هایی جنبهٔ توصیفى پیدا مى‌کند، مانند فصل اول و دوم. هر جا مطلب درخور توجهی از بزرگان تولستوى‌شناس بوده از آن‌ها استفاده و در بخش‌هایی عیناً از ترجمه‌ها با ذکر مآخذ استفاده نموده‌ام.

مثلاً در بخش اول کتاب، که به زندگى‌نامهٔ تولستوى پرداخته‌ام، تلاش کرده‌ام از بیش از ۱۵۰۰ صفحه زندگى‌نامه دربارهٔ تولستوى تلخیصى در حدود ۸۰ صفحه ارائه دهم. چون معتقدم وقتى زندگى‌نامهٔ درخشانى مانند هنرى تروایا وجود دارد، به دشواری مى‌توان

زندگی‌نامه بهتری نوشت. به همین منظور، این متون بهتر است به دلیل حجم بالا تلخیص شود. البته، هر جا اقتضا می‌کرده و نقد و نظری داشته‌ام لایه‌لای مطالب، به طوری که نوشته بنده از نوشته دیگران مجزا باشد، آورده‌ام.

بنابراین، اگر بخواهم رویکرد خویش را به نگارش کتاب در چند کلمه بیان کنم، باید بگویم این کتاب اثری تألیفی است. در ضمن، به جامعه‌تیش نظر داشته‌ام. همچنین، مواجهم با مطالب نقادانه و مقایسه‌ای بوده است. با این همه، کتاب حاضر، از نظر حقیر، درآمدی بر شناخت تولستوی محسوب می‌شود. تولستوی، به دلیل آنکه در بسیاری از موضوعات اظهارنظر کرده، مجال بسیار مناسبی برای متفکران ایرانی فراهم آورده تا نقادانه به آثار وی توجه کنند.

در پایان، از دوستان عزیز، شادروان جناب آقای امیرحسین فردی و محمد ناصری که چنین فرصتی را برای بنده فراهم نمودند و پنجره‌ای به سوی دنیایی جدید در پیش دیدگانم گشودند کمال تشکر را دارم. همچنین، از برادر بزرگوار، جناب استاد کامران فانی، که زحمت کشیدند و از آغاز تا پایان متن را مطالعه فرمودند و اظهارنظرهای راهگشایی ارائه کردند، قدردانی می‌کنم.

علی تاجدینی

بخش اول: زندگی نامه

فصل اول: زندگی نامهٔ تولستوی

داستان داستان‌های تولستوی

عارفان معتقدند که «الاسماء تنزل من السماء»، به تعبیری، یعنی نام‌ها و کلمات از عالم بالا به زمین طبیعت و ماده نازل می‌شوند. آدمی نیز آسمانی دارد و زمینی. آسمان آدمی روح انسان است که اندیشه، احساسات، و عالم معنا را به صورت اجمالی و به صورت جمعی در خویش دارد. آن‌گاه که انسان به سخن می‌آید یا سخن خویش را به صورت مکتوب می‌نویسد، معانی اجمالی از عالم «جمع‌الجمعی» تنزل می‌یابد و در قالب کتاب و نوشته درمی‌آید. اثر هنری، پیش از تنزل، به صورت قالب‌های هنری در قلب و روح هنرمند تحقق دارد. آن‌گاه که روح هنرمند به اهتزاز درمی‌آید، اندیشه و احساس از جایگاهی که قلب نام دارد بر زبان وی و قلم وی جاری می‌شود.

گاه اثر هنری به صورت رمان درمی‌آید، گاهی هم به صورت نقاشی یا موسیقی یا سینما و سایر هنرها. رمان‌های تولستوی و نوشته‌های دیگر وی - نود جلد کتاب او - قبل از ظهور، به صورت کتاب یا دست‌نوشته، در آسمان اندیشه و قلب وی حضور داشته است.

در حقیقت، قصه‌های تولستوی تفصیل قصه زندگی خود اوست و هر زمانی به زاویه‌ای از این زندگی اشاره می‌کند. بدون شک، وقتی معنا به ساحت ماده تنزل می‌یابد از خلوص و ناب بودنش کاسته می‌شود. بنابراین، می‌توان وجود تولستوی را از همه رمان‌ها و آثارش زیباتر، عمیق‌تر، و پخته‌تر دانست.

تولستوی بارها این جمله پوشکین را تکرار می‌کرد: «گفتار من عین رفتار من است.» صد اقتی که در اندیشه تولستوی بود موجب می‌گردید تا آثار وی با خلوص و شفافیتی هر چه بیشتر به منصه ظهور برسد. احسن قصص تولستوی زندگی خود اوست که از همه قصه‌های او زیباتر است. او خود از آیندگان خواسته است زندگی‌اش را به صورت دوره‌های چهارگانه‌ای که ترسیم کرده قرائت کنند:

روایت این دوره‌های چهارگانه روایتی کاملاً حقیقی است که قصد دارم، چنانچه خداوند قدرت و زمان کافی را از من دریغ نرزد، شرح آن را بنگارم. احساس می‌کنم چنین زندگی‌نامه‌ای که از سوی خود من به شیوه‌ای دیگر نوشته شود، با همه کاستی‌هایش، برای مردمان سودمندتر از تمامی پُرگویی‌های گاه هنرمندان‌ای است که مجموعه آثار دوازده جلدی پیشین من از آن آکنده بوده است و معاصران من برای آن اعتباری ناسزاوار قائل شده‌اند.^۱

در این بخش قصد نویسنده آن است که چکیده‌ای از زندگی مفصل تولستوی را، که از خلال خاطرات و یادداشت‌های او و خانواده و دوستان و روستائیانِ آشنایش به دست آمده، پیش روی خوانندگان قرار بدهد.

۱. لئو تولستوی از نگاه خود و معاصرانش، گردآورنده لیدیا دمیتری یونا، ترجمه سیروس سهامی، تهران: نیکا، ۱۳۸۸، ص ۴۲.

دوره‌های زندگی تولستوی از زبان خویش

تولستوی خود در کتاب خاطرات خویش به صراحت می‌نویسد:

زندگی‌نامه واقعی، یعنی ذکر سفیدی و سیاهی‌های یک زندگی. اگر قصد بر آن بود که یک زندگی‌نامه راستین تدوین شود، شرافت حکم می‌کرد پرده از همه چیز برداشته شود. تنها چنین شرح‌حالی، به‌رغم هجوم شرمی که به هنگام نگارش آن باید تحمل کرد، می‌تواند متضمن فایده و عبرتی واقعی برای خوانندگان باشد.^۱

این نحوه نگرش تولستوی ریشه در صداقت او و همچنین سبک رئالیستی وی دارد. به همین دلیل، بخش‌هایی از زندگی این نویسنده آن قدر سیاه توصیف شده که بیشتر تولستوی‌شناسان آن را اغراق‌آمیز توصیف کرده‌اند. به گفته اشتفان تسوایک، با آنکه تولستوی اصرار دارد خود را سیاهکار، دزد، و بی‌سروپا بخواند، هیچ کس درباره او چنین قضاوت نکرده است.

تولستوی، خود، دوره‌های زندگی خود را، بر اساس تحولات رخ‌داده، به چهار بخش تقسیم کرده است: دوران کودکی، نوجوانی، ازدواج، و توجه به خانواده. و مهم‌ترین این دوران‌ها دوران بحران معنوی است که سی سال آخر زندگی او را به خود اختصاص می‌دهد. واقعیت آن است که جریان زندگی من - سوای یک دوران بیست‌ساله - سراسر به پلشتی آغشته نبود و حتی در این دوران بیست‌ساله نیز، به خلاف آنچه به هنگام بیماری می‌پنداشتم، زندگی‌ام یکسره آلوده به شناعة و بدسگالی نبود و گاه لحظاتی پیش می‌آمد

۱. همان.

که کششی به سوی نیکی در خود احساس می‌کردم. اما چنین لحظاتی چندان نمی‌یابید و به شتاب در زیر بار وسوسه‌های یک شیدایی و لذت‌جویی لجام‌گسیخته مدفون می‌شد. با این حال، چنین تأملاتی، به‌خصوص در زمان بیماری‌ام، به‌روشنی به من نشان داد که زندگی‌نامه من، بدان‌سان که به طور معمول تنظیم می‌شود و در آن سنگدلی و زشتکاری به سکوت برگزار می‌گردد، دروغی بیش نیست. باری، با چنین نگرشی زندگی دراز مرا می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد: دوره بسیار معصومانه و شادی‌بخش و شاعرانه کودکی‌ام تا چهارده‌سالگی (به‌خصوص وقتی آن را با دوره بعدی مقایسه می‌کنم)؛ دوره شرم‌آور و نکوهیده بیست‌سالگی که در آن مه‌ور فساد و ناپه‌نجاری و خودپسندی و جاه‌طلبی و، از همه بدتر، نفس‌پرستی بوده‌ام؛ پس از آن، دوره هجده‌سالگی قرار دارد که از زناشویی تا تولد معنوی‌ام به درازا می‌انجامد و، به شهادت همگان، می‌توان از آن به عنوان دوره اخلاقی یاد کرد. در واقع، در این هجده سال، من یک زندگی خانوادگی متوازن، شریف، بدون لغزش و انحراف را، آن‌طور که افکار عمومی از آن تعبیر می‌کند، تجربه کرده‌ام. در این دوره، علایق من به دل‌مشغولی‌های خودپسندانه خانوادگی و افزایش ثروت و جست‌وجوی موفقیت‌های ادبی و انواع کامجویی‌های متعارف محدود بوده است.

سرانجام، نوبت به دوره بیست‌و‌چهارساله آخر زندگی‌ام می‌رسد که هنوز ادامه دارد و در آن در انتظار مرگی محتوم نشسته‌ام. اکنون فکر می‌کنم در این دوره بوده

است که من سرانجام به کشف زندگی گذشتهام دست یافته‌ام؛ دوره‌ای که، به‌جز رفتارها و عادات ناپسند پیشین، مایل به هیچ تغییری در آن نیستم.^۱

زندگی حقیقی تولستوی با دوره تحول معنوی آغاز می‌شود. در واقع، حقیقت زندگی آن‌گاه رخ می‌نماید که آدمی از لاک خودخواهی‌ها و منیت‌ها بیرون آید و عاشقانه به خدا و مردم خدمت کند. زمان حقیقی زمان عاشقی است و زندگی بدون عشق، به قول حافظ، به مرگ نزدیک‌تر است و کسی که عاشق نیست باید بر او نمرده نماز تدفین خواند. بنابراین، برای تولستوی، دوره چهارم، یعنی دوره معناگرایی، در مقایسه با سه دوره کودکی، جوانی، و ازدواج و تشکیل خانواده، ارزش فزون‌تری داشت و او بیشتر مایل بود که از این دوره سخن گفته شود.

تبارشناسی و خانواده تولستوی

پیش از آنکه به دوره کودکی تولستوی بپردازیم، لازم است ریشه‌های خانوادگی او را تا حدی شناسایی کنیم. جد تولستوی شاهزاده پیر نیکلا سرگیویچ ولکونسکی است که در حکومت الکساندر اول صاحب مقامی ارجمند بود، اما، به دلایلی، از حکومت کناره گرفت و در ملک موروثی خود منزوی شد. کسی نمی‌دانست چرا به یک‌باره از جامعه کناره گرفته است. می‌گویند ملکه کاترین وی را به خود نزدیک کرد و او را به فرماندهی گارد مخصوص برگزید. ولکونسکی، پس از این انتصاب، ترقی کرد و به سمت سفیر در دربار پروس و سپس پست‌های بالای نظامی منصوب شد. او مردی با فرهنگ، فعال، و بسیار مغرور بود و به سلسله نسبش افتخار می‌کرد. از شاخه‌های مهم این شجره

۱. همان، ص ۴۲ - ۴۳.